

تحلیل تطبیقی تأثیر پیکربندی نهادی - عاملیتی بر توسعه با رویکرد جبر بولی^{۱*} (مورد مطالعه: لرستان پیشکوه و پشتکوه از دوره صفویه تا پایان پهلوی)

علی ایار^۲، تقی آزاد ارمکی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵)

چکیده

مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی جامعه ایرانی به علت غفلت از اجتماعات محلی، با ارائه تصویری یکدست، مانع فراهم شدن فهمی تاریخی و فرایندی از مسائل اجتماعات محلی در جامعه ایران شده است. در این مقاله سعی بر آن است که با لحاظ کردن فرض کثرت و تنوع جامعه ایرانی و از سویی دیگر تمرکز بر نهادها و نیروهای متکثر اجتماعی که در حیات اجتماع محلی مؤثر بوده‌اند، به تبیینی متمایز از توسعه بپردازیم. این مقاله با روش تطبیقی - تاریخی با استفاده از جبر بولی، براساس رویکرد نهادگرایی تاریخی، تحلیلی متفاوت از وضعیت توسعه در لرستان پیشکوه و پشتکوه از دوره صفویه تا پایان پهلوی ارائه می‌کند که در آن بر نقش شرایط جهانی، نهادها و عملیات‌های متعدد اجتماعی تأکید می‌شود. در این روایت، پیکربندی نهادی لرستان پشتکوه و پیشکوه در بازه زمانی مورد مطالعه با عنایت به میراث به‌جای‌مانده از دوره صفوی با وصف «غیاب نهادی و نیرویی»، مبتنی بر شبکه نسبتاً پیچیده‌ای از روابط متقابل بین نهادهای در تعامل با شرایط جهانی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتیجه این است که وضعیت نهادی ریشه در دوره‌های قبلی داشته با تداوم خود توانسته است بر توسعه این منطقه تأثیرگذار

<http://dx.doi.org/10.22034/jss.2022.529229.1524>

*مقاله علمی: پژوهشی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است.

۲. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران - استاد مدعو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)
aliayar_85@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
tazad@ut.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰: ۵۵-۲۸

باشد. بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد که «توسعه‌نیافتگی» لرستان، پیامد برآیندهای علی ترکیبی زمانمند است.

واژه‌های کلیدی: نهادگرایی تاریخی، تحلیل تطبیقی - تاریخی، لرستان، جبر بولی، توسعه.

مقدمه و بیان مسئله

رویکردهای نظری غالب در جامعه‌شناسی تاریخی جامعه ایرانی، ضمن غفلت از تاریخ محلی در ایران با ارائه تصویری یکدست از جامعه، مؤلفه کثرت و تنوع را در مقیاس ملی و محلی از کانون توجه خود خارج کرده است. اصالت دادن به شهرهای بزرگ - شهرهای پایتختی - در ادوار تاریخی موجب شده است که تحلیل‌های جامعه‌شناسی تاریخی ایرانی در بسیاری از موارد قادر به تبیین جوامع محلی نباشند. از جهت دیگر مرکزیت دادن به «دولت» موجب غفلت از نهادها و نیروهای متکثری می‌شود که در حیات جامعه به‌گونه‌ای خاص، فعالانه به ایفای نقش پرداخته‌اند. موضوع توسعه یکی از کانونی‌ترین موضوعات در آثار جامعه‌شناسی سده اخیر ایران بوده است. در این میان پرسش از توسعه‌نیافتگی منطقه زاگرس در کشور خاصه زاگرس میانی نمود بیشتری دارد. لرستان پیشکوه و پشتکوه (لرستان و ایلام)، در طی دو سده اخیر بنابر اسناد موجود از فقیرترین نواحی کشور بوده است (حاج سیاح، ۱۳۶۵: ۲۲۸؛ ویلسن، ۱۳۶۳؛ استارک، ۱۳۶۴: ۱۴۸) و این وضعیت همچنان تداوم دارد، شیوع مسائل متنوع اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در این استان‌ها از جمله خودکشی و رتبه‌های اول در شاخص‌های فلاکت و بیکاری، بیانگر آن است که توسعه در این منطقه از جغرافیای کشور دارای وضعیتی پروبلماتیک است. در باب وضعیت عدم توسعه‌یافتگی منطقه زاگرس جز در سفرنامه‌های سیاحان غربی که در دوره قاجار به این منطقه سفر کرده‌اند، مدرک و مستنداتی کمی وجود دارد. برای فهم عدم توسعه‌یافتگی در این منطقه باید با تمسک به «جامعه‌شناسی تاریخ محلی» و تمرکز بر مختصات و شرایط محلی به تبیین چرایی عدم توسعه‌یافتگی در این منطقه پرداخت. عمده آثار و تألیفاتی که به ایران معاصر از منظر جامعه‌شناسی تاریخی پرداخته‌اند با بسنده کردن به کلیاتی با عنوان عشایر زاگرس، عشایر لر، ایللیاتی، مناسب بودن زاگرس برای زیست عشایری و کوچ‌نشینی (لمبتون، ۱۳۶۰؛ کدی، ۱۳۸۱؛ اشرف، ۱۳۵۹؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹) موجبات کج‌فهمی و «تقلیل‌گرایی» در مورد تبیین عدم توسعه‌یافتگی این دیار شده‌اند. این مقاله ضمن رد مفروضات فرهنگی، استبداد مطلق حاکمان، فرض جغرافیایی توسعه و فرض ایللیاتی بودن، در پی ارائه تبیینی جامعه‌شناسی از عدم توسعه‌یافتگی در این منطقه، برحسب تعامل بستر، پیکربندی نهادی و

نیروهای اجتماعی (عاملیت) در این منطقه است. سؤال از فرازوفرود، کم‌وکیف وضعیت توسعه یک ایالت در فرایندی تاریخی است. بنابراین با اندکی تأمل در تاریخ این منطقه سؤالاتی متعدد به ذهن متبادر می‌شود؛ چه شد تأمین‌کنندگان ابزار برنزی همسایگان غربی و توسعه‌گر فلز در قلب آسیای صغیر به وضعیتی گرفتار می‌شوند که حتی تیغه گاوآهن خود را در عهد پهلوی از چوب (استارک، ۱۳۶۴: ۱۷۳) می‌سازند؟ چه شد که ساتراپ‌نشین مهم دوره هخامنش (کوک، ۱۳۸۴: ۱۳۰) و ایالت واجد شهرهای آباد در عهد اشکانی و ساسانی (نفیسی، ۱۳۳۱: ۸۷-۲۸۶ به نقل از صحرايي، ۱۳۸۹) از میراث زیست شهری‌اش تنها، شهر متحرک^۱ (استارک، ۱۳۶۴: ۱۸۷) کوچ‌نشینی می‌ماند؟ چرا از شهرهای زیبای سیروان و صیمره، با ساختمان‌ها و پل‌های عجیب (ابودلف، ۱۳۶۱: ۶۱) در دوران معاصر، نه معماری تعجب‌برانگیزی، نه صنعتی، نه رونقی، به ارث نمی‌رسد؟ چه شد که سازندگان و صادرکنندگان فلز و خالق مفرغ‌های حیرت‌انگیز ایرانی به وضعی می‌رسند که در دوره قاجار در اثاث زندگی «جز ظرف گلین» (حاج سیاح، ۱۳۴۶: ۲۲۵) چیزی نداشتند؟ برای درک وضعیت کنونی توسعه این منطقه، باید بر معرفت گسترده تاریخی و جامعه‌شناختی متکی بود. به این منظور دوره صفویه را به‌عنوان مبدأ انتخاب کرده‌ایم. این دوره، در تاریخ ایران از منظر جامعه‌شناختی دوره‌ای است که نفوذ تمدن غرب به ایران شروع می‌شود، دولت ملی تشکیل و خصومتی تاریخی بین ایران و همسایه غربی - عثمانی - ایجاد و حکومت اتابکان لر کوچک منقرض می‌شود. به این دلیل دوره تاریخی صفویه می‌تواند برای حوزه مورد مطالعه اهمیت پیدا کند. این مقاله برای پرهیز از ساده‌سازی موضوع، با این استدلال که پدیده «توسعه» برآیند «ترکیب‌های علی» است بر متغیرهای شرایط جهانی، ملی و محلی، وضعیت نهادی و نیروهای متناظر با نهادها، به‌صورت هم‌زمان تمرکز کرده است. بنابراین، با مطالعه بازه زمانی دوره صفویه به‌عنوان «بزنگاه مهم» تا پایان دوره پهلوی به‌عنوان برآیندی از «توالی» میراث تعامل بستر، پیکربندی نهادی و نیروهای اجتماعی در دوره‌های قبلی بر آن است که مسئله‌مند شدن توسعه را تبیین کند.

پیشینه پژوهش

در مطالعات تاریخی توسعه شاهد طیف وسیع و متنوعی از تحقیقات هستیم؛ برخی از مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ایران عبارت‌اند از: اشرف (۱۳۵۹)؛ کاتوزیان (۱۳۸۱؛ ۱۳۷۷)،

۱. اشاره فریا استارک به حسین‌آباد ایلام، مرکز پشتکوه در دوره پهلوی است که هنوز هم همان شهر متحرک سه سال پیش است، شهری بود مرکب از تعدادی سیاه‌چادر و تنها چیزی که به آن اعتباری داده بود یکی دو ساختمان استوار متعلق به والی بود (استارک، ۱۳۶۴: ۱۸۷).

نظریه جامعه استبدادی؛ نعمایی (۱۳۸۱) تکامل فئودالیسم در ایران؛ و آزاد ارمکی (۱۳۹۱)؛ دسته‌ای دیگر توسعه را از منظر نهادگرایی موردکنکاش قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: نورث^۱ (۱۹۹۰)، اگلو؛ رابینسون^۲ (۱۳۹۵)، رودریک^۳ (۲۰۰۰)؛ یا ناگهارا^۴ (۲۰۰۶)؛ دال سیونگ یو (۱۳۸۸)؛ توحیدفام (۱۳۸۵)؛ رضاقلی (۱۳۹۸)؛ رسولزاده اقدام (۱۳۹۲)؛ و ترکارانی (۱۳۹۳). در ارزیابی مطالعات پیشین می‌توان اظهار کرد که بخشی از این مطالعات با برداشتی واحد و یکسان از جامعه ایرانی، علی‌رغم تنوع مسیرهای تاریخی و نقاط عطف جامعه در سطح ملی و محلی، در ارائه تبیینی واقع‌نگر از جامعه ایرانی موفق نبوده‌اند. درمورد فهم جامعه ایرانی مطالعه آزاد ارمکی (۱۳۹۱) به دلیل توجه به نقش نهادها و نیروهای اجتماعی به تبیین جامعه ایرانی و ترکارانی (۱۳۹۳) به دلیل تمرکز بر اجتماع محلی و تلاش برای ارائه فهمی تاریخی از توسعه در حوزه مورد مطالعه از دوره قاجار تا پایان پهلوی، راهگشا هستند. اگرچه مطالعه حاضر تلاش دارد متمایز از مطالعات پیشین به فهم تعامل شرایط جهانی و پیکربندی نهادی - عاملیتی به تبیین چرایی عدم توسعه در منطقه بپردازد.

واکاوی ادبیات موضوع

تلاش بر آن است تا با استفاده از رویکرد نهادگرایی تاریخی، وضعیت توسعه را تحلیل کنیم. از منظر نهادگرایی تاریخی، بزنگاه‌ها مهم هستند؛ اگرچه بزنگاه‌ها اهمیت دارند، اما بعد از انتخاب یک مسیر تحت تأثیر «فرایند بازخورد مثبت» و «وابستگی به مسیر» که به تعبیر هاکر^۵ و آرتر^۶ ناظر بر پیدایش مسیرهایی است که ماهیتاً بازگشت از آن‌ها دشوار است (هاکر، ۲۰۰۲: ۴۲-۴۴). متأثر از رابطه بین سوژه و محیط نهادی، «چسبندگی»^۷ یا آرایش‌های نهادی شکل می‌گیرد؛ در بسیار از موارد مسیرهای تحول، به واسطه روابط مهم میان نهادها شکل می‌گیرد (پیرسون، ۱۳۹۴: ۲۶۹). خروج از وضعیت نهادی در شرایطی که چگالی نهادی بالا باشد و دارایی و توان فرد با این وضعیت پیوند خورده باشد سخت‌تر است (همان: ۷۰-۷۱). آنچه فی‌نفسه از اهمیت بیشتری برخوردار است این است که چگونه پیکربندی نهادی مورد مطالعه، کنش‌های متقابل سیاسی را

۱. Doglass North

2. Daron Acemoglu; James; Robinson

۳. Dani Rodrik

۴. Yanagihara

۵. Hacker

۶. Arther

۷. Stickiness

شکل می‌دهد (تلن؛ استینمو، ۲۰۰۲: ۶). درنهایت همسو با استدلال اوغلو؛ رابینسون، ضمن رد تبیین‌های توسعه‌نیافتگی و فقر براساس جغرافیا، فرهنگ و جهل حاکمان (اوغلو؛ رابینسون، ۱۳۹۵: ۸۸-۱۰۰) درصدد آنیم که با عنایت به وضعیت نهادی، وضعیت توسعه را تبیین کنیم. از نظر آن‌ها، نهادها دو دسته هستند: ۱. نهادهای اقتصادی استثمارکننده^۱؛ ۲. نهادهای اقتصادی فراگیر^۲ (اوغلو؛ رابینسون، ۱۳۹۵). نهادهای استثماری برای بیرون کشیدن درآمد و ثروت از دست زیرمجموعه‌هایی از جامعه به‌نفع یک زیرمجموعه دیگر طراحی می‌شود. در مقابل نهادهای فراگیر، بازارهای فراگیر را به‌وجود می‌آورند و یک زمین‌بازی هم‌تراز فراهم می‌آورد (همان: ۱۱۵). در غیاب «نظام گشوده سیاسی»^۳ خطر «چرخه شوم»^۴ نهادها را تهدید می‌کند. چرخه شوم به استمرار نهادهای استثماری و تداوم توسعه‌نیافتگی منجر می‌شود (همان: ۴۶۴). استدلال اوغلو این است که امروز ملتها به این دلیل شکست می‌خورند که نهادهای اقتصادی استثماری‌شان انگیزه‌های موردنیاز برای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و نوآوری را در مردم به‌وجود نمی‌آورند (همان: ۴۹۸). «تغییرات عمده نهادی که لازمه تغییرات اقتصادی هستند در بزنگاه‌های حساس رخ می‌دهند. بنابراین تاریخ کلید است» (همان: ۴۷۱-۴۷۳). همچنین نورث در نظریه نهادگرایی خود معتقد است که برای فهم تحول اقتصادی، تغییر در چارچوب نهادی که ساختار انگیزشی حامدانه و هدفمند جامعه را معین می‌کند یکی از مؤلفه‌های کلیدی است (نورث، ۱۳۹۷: ۳۴). در اندیشه نورث تاریخ مهم است، زیرا محدودیت‌های نهادی طی زمان انباشت می‌شود و فرهنگ جامعه ساختار قواعد و هنجارها و باورهایی است که از گذشته به ارث می‌بریم و حال ما را شکل می‌دهد و بر آینده‌مان تأثیر می‌گذارد (همان: ۱۴۱) و این همان تز وابستگی به مسیر^۵ است (نورث، ۱۳۹۷: ۶۰). وی ضمن پذیرش فرایند یادگیری متمایز شخصی بر یادگیری و ادراکات مشترک متأثر از شرایط نهادی تأکید می‌کند (همان: ۶۹). «نهادهای بسیار مهم هستند، زیرا مشوق‌های فراهم می‌کنند که به انتخاب‌های انسان شکل می‌دهند» (همان: ۹۸). نهادها با استقرار هنجارهای ناکارآمد می‌توانند عملکرد مطلوب را کاهش دهند. سازه‌های ذهنی که افراد برای تبیین و تفسیر جهان پیرامونشان شکل می‌دهند، تا حدودی نتیجه میراث فرهنگی‌شان و مسائل مبتلابه روزانه است (همان: ۱۱۴). ساختار انگیزشی و محرکی که در بطن چارچوب نهادی تعبیه

۱. extractive

۲. inclusive

۳. An open political system

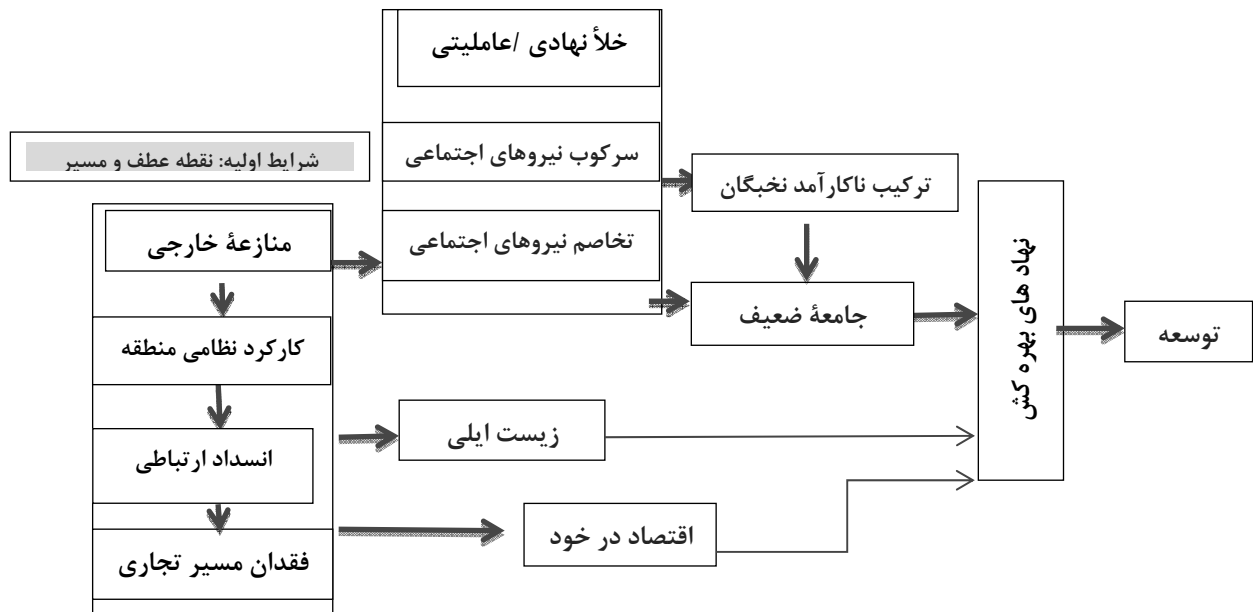
۴. The vicious circle

۵. path dependency

شده، بسیار مهم است. «اگر مشوق‌ها به دزدی پادش دهند آنگاه نتیجه و محصول دزدی خواهد بود» (همان: ۱۳۳).

چارچوب نظری و الگوی تحلیلی پژوهش

با توجه به تبیین نظری توسعه براساس رویکرد نهادگرایی تاریخی و نهادگرایی در بخش واکاوی ادبیات موضوع، الگویی تحلیلی مبتنی بر استدلال و مکانیسم زیر طراحی شده است؛ جوامع با وضعیت نامطلوب توسعه‌ای، وفق تئوری نورث دارای ماتریس نهادی هستند که بنابه مسیر تاریخی خود انگیزه لازم را برای فعالیت‌های بهبوددهنده بهره‌وری تأمین نمی‌کنند. به‌منظور فهم اجتماع محلی و جامعه در کلیت آن با تمسک به گزاره‌های نظری «تئوری جامعه ایرانی» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱) که در برابر تز «امتناع» به «امکان» از طریق سامان‌یافتگی نظام کنشی و نقش‌آفرینی نیروهای اجتماعی در دوره‌های متفاوت معتقد است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۳۶۸) جامعه موردنظر را متکثر، تاریخی و با محوریت نهادها و نیروهای اجتماعی مطالعه می‌کند. درنهایت نشان داده شده است که چگونه در یک فرایند تاریخی تأثیر پیکربندی نهادی و میراث نهادی دوره صفویه، نهادهای استثماری و بهره‌کش، به‌منابۀ برآیند ترکیب و تعامل نهادی و نیروهای متناظر شکل گرفته در مسیر طی‌شده بر توسعه تأثیرگذار بوده است.



نمودار ۱. الگوی تحلیلی

فرضیه‌های پژوهش

- شرایط منازعه‌آمیز جهانی موجب کارکرد نظامی و خروج منطقه از مسیر تجاری می‌شود.
- خروج از مسیر تجاری موجب حصر و انسداد ارتباطی و شکل‌گیری اقتصاد تهاطری در لرستان می‌شود.
- خروج از مسیر تجارت و هم‌جواری آن با انسداد ارتباط و کارکرد نظامی منطقه موجب خلأ نهادی - عاملیتی در لرستان می‌شود.
- خلأ نهادی - عاملیتی زمینه شکل‌گیری روابط تخصصی در بین نیروهای اجتماعی می‌شود.
- کارکرد نظامی منطقه، موجب تداوم زیست ایلی - عشایری می‌شود.
- رابطه تخصصی نیروهای اجتماعی موجب سرکوبی این نیروی اجتماعی ایلات از جانب حکومت‌ها و تحقیر اجتماع محلی شده است.
- سرکوب نیروهای اجتماعی در جوار ترکیب ناکارآمد نخبگان، خلأ نهادی - عاملیتی موجبات شکل‌گیری اجتماع نحیف را به وجود می‌آورد.
- اجتماع نحیف - خلأ نهادی و عاملیتی - موجب شکل‌گیری نهادهای بهره‌کش می‌شود.
- نهادهای بهره‌کش موجب عدم توسعه می‌شوند.

روش پژوهش

بر مبنای مسئله پژوهش، روش مطالعه تحلیل تطبیقی تاریخی است؛ یعنی واقعه مورد نظر در زمینه اجتماعی خاص خود با تمسک به تئوری تحلیل خواهد شد (ساعی، ۱۳۹۰: ۹۳). تبیین‌های تطبیقی متضمن ذکر شرایط علی هم‌گراست، شرایط و عللی که با هم ادغام شده یا به نحو خاص ترکیب می‌شوند (ریگین، ۱۳۹۷: ۴۵). به این منظور مقاله حاضر با تمرکز بر دوره‌های تاریخی صفویه، نادریه، زندیه، قاجاریه، پهلوی اول و پهلوی دوم، در بخش اول به منظور مقایسه درون دوره‌ای از تفسیر تاریخی و جهت مقایسه بین دوره‌ای از تحلیل جبر بولی^۱ جهت آزمون مدعیات نظری پژوهش استفاده کرده است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

شرایط منازعه‌آمیز جهانی

منظور از شرایط منازعه‌آمیز، وجود درگیری‌های پراکنده و حملات گسترده در مرز مشترک با همسایه غربی ایران - عثمانی / عراق - بوده است که با معرف‌های مانند درگیری‌های پراکنده، غارت و چپاول احشام دارایی مردم، یا حمله نظامی بین دو کشور سنجش شده است.

خروج از مسیر تجارت

با استفاده از معرف‌هایی مانند عدم استفاده از مرز مشترک به منظور صادرات یا واردات کالا، عدم وجود گمرک، بازارچه‌های مرزی سنجش شده است که غیبت عناصر چندگانه فوق معادل با خروج از مسیر تجارت تعریف شده است.

خروج از مسیر ارتباطات

جاده و راه‌های ارتباطی علاوه بر مسیر دسترسی حمل‌ونقل کالا به‌مثابه یک نهاد فرهنگی عمل می‌کرده است. در دوره‌های که در متون تاریخی به عبور کاروان‌های تجاری و زیارتی اشاره نشده است معادل خروج از مسیر تجارت و ارتباطات قلمداد کرده‌ایم.

کارکرد نظامی (پیوند نظامی)

منظور وضعیتی است که دولت محلی یا ملی با یک دشمن خارجی منازعه دارد. رخدادهایی مانند لشکرکشی از جغرافیای آن منطقه، استفاده از مردم و امکانات بومی در این منازعات به‌عنوان کارکرد نظامی منطقه تعریف کرده‌ایم.

سرکوبی نیروهای اجتماعی (اجتماع نحیف)

منظور اقداماتی بوده است که موجب فرسایش و تحلیل رفتن این نیروهای اجتماعی شده است. معرف‌های سنجش این مفهوم عبارت‌اند از: کشتار، تبعید اعدام، و سرکوبی نیروهای اجتماعی.

خلأ نهادی - عاملیتی (نیروی)

جامعه ایرانی ترکیبی پیچیده از نهادها و نیروهای اجتماعی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۳۶۸). از جمله مهم‌ترین نهادها جامعه ایرانی، می‌توان به سیاست، بازار، حوزه، خانواده، و نیروهای متناظر با این نهادها اشاره کرد.

ترکیب ناکارآمد نخبگان

نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که می‌توانند با ایجاد هیجان، ایده، و تأثیری که به‌وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه مؤثر واقع شوند (روشه، ۱۳۸۰: ۱۲۱). کارآمد بودن و نبودن ترکیب نخبگانی لرستان را با عنایت به اقداماتی نظیر تأسیس نهادهای مدرن مانند مدرسه، حوزه، مریض‌خانه، کارخانه، و... سنجش کرده‌ایم.

روابط تخصصی نیروهای اجتماعی

منظور عدم درک مشترک پیرامون «منافع و ارزش‌ها و نظام‌های معنایی» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۴۵۲) معرف‌های سنجش این مفهوم عبارت‌اند از: درگیری بین طوایف و ایلات، درگیری ایلات با حکومت مرکزی و حکومت محلی، مقاومت در برابر برنامه‌های دولتی.

اقتصاد در خود (تهاتری)

منظور شرایطی است که معاملات پولی رواج کم‌تری داشته است و در کنار مبادلات پولی شاهد مبادله کالا به کالا بوده‌ایم.

زیست ایلی و عشایری

در این مطالعه با توجه به شکل غالب زیست و معیشت مردم، وجود و عدم وجود شهر و روستا به‌صورت گسترده، ملاک سنجش این مفهوم بوده است.

تحقیر اجتماع محلی (غیریت‌سازی)

شرق‌شناسی دانشی را شکل داده است که شرق را از صافی آگاهی غرب می‌گذراند و با صفات منفی غیرواقعی تعریف می‌کند. چنانچه در دوره تاریخی متونی مانند سفرنامه‌های داخلی و خارجی، سینما، و... مبنی بر تحقیر و بازنمایی منفی اجتماع محلی وجود داشته است؛ معادل با تحقیر اجتماع محلی گرفته‌ایم.

نهادهای بهره‌کش

نهادهایی که برای بیرون کشیدن درآمد و ثروت از دست مردم به‌نفع گروه‌هایی دیگر طراحی می‌شوند. اگر بهره‌کشی از جانب حکومت مرکزی یا محلی صورت گرفته است با عنوان بهره‌کشی عمودی - سیورسات، رشوه، مالیات و... - و در صورتی که از جانب گروه‌های اجتماعی محلی بر همدیگر اعمال می‌شد - غارت، تهاتری ... - بر آن نام بهره‌کشی افقی نهاده‌ایم.

توسعه

برای بررسی وضعیت توسعه معرف‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته شده است: عدم وجود فقر، مهاجرپذیری، و وجود کارگاه تولیدی/ کارگاه صنعتی و کارخانه. چنانچه یکی از متغیرهای فوق وجود نداشته باشد آن را معادل با «عدم توسعه» تعریف کرده‌ایم.

یافته‌های پژوهش

تحلیل تفسیری - تاریخی

در این بخش با توجه به چارچوب نظری تحقیق به تفسیر تاریخی پدیده مورد مطالعه در ادوار تاریخی پرداخته‌ایم. تلاش بر آن است تا شواهد عینی مورد اشاره مدل نظری در کانون توجه قرار بگیرند.^۱

دوره صفویه به‌مثابه نقطه عطف

شروع حکومت صفویه در قرن ۱۰ ق، نشانه آغاز دوران جدید و نقطه عطفی در تاریخ ایران است (فوران، ۱۳۹۰: ۴۵؛ نوذری، ۱۳۹۳: ۲۶۰). با عنایت به واقع شدن این ایالت در سرحدات غرب و جنوب غربی ایران و همسایگی با دولت عثمانی، ایالت لرستان از این وضعیت جدید به‌نحو مصیبت‌باری متأثر شد. شرایط جهانی در دوره صفوی با مشخصه تخصم با دولت عثمانی مشخص می‌شود. در سال ۱۰۰۷ ق - که عثمانی درخواست کردند ولایات غربی ایران از جمله لرستان در دست عثمانی‌ها باقی بماند - شاه‌عباس، الله‌وردیخان را از راه لرستان به جنگ اوزون احمد پاشا حاکم بغداد فرستاد. در نهایت در سال ۱۰۲۲ ق عهدنامه صلح دوم استانبول با عثمانی‌ها منعقد شد؛ و در سال ۱۰۲۶ ق خلیل پاشا در دیار بکر، عده‌ای از قوای عثمانی را برای غارت نواحی غربی ایران فرستاد، تا اینکه در سال ۱۰۴۹ ق عهدنامه قصر شیرین منعقد و پس از آن صلحی به مدت یک قرن بین دو کشور ایجاد شد. البته دوباره به‌دلیل فتنه افغان به مرزهای غربی کشور توجه شد؛ در ۱۱۲۷ ق، ترکان تا ناحیه خرم‌آباد پیش آمدند (صحرايي، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۹؛ صفی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۶۰). در همین دوره، در قراردادی میان اشرف افغان و دولت عثمانی ۱۱۴۰ ق، خرم‌آباد به همراه چند شهر دیگر به دولت عثمانی واگذار شد (لکههاری، ۱۳۸۳: ۱/ج ۲۹۲). در شرایطی که شهرهای دیگر مانند اصفهان، کرمان، تبریز و شیراز با وجود کارخانه‌ها و دادوستد با تجاری خارجی فعال هستند؛ به دلایلی چند لرستان از تجارت عهد صفویه طرفی نبست: ۱. طرف تجاری عمده و اصلی کمپانی هند شرقی در جنوب بود. به‌علت جنگ‌های

۱. در این بخش به‌دلیل تنگنای ناشی از رعایت حداکثر کلمات؛ فقط اشاراتی به شواهد تاریخی می‌شود (برای کسب اطلاع بیشتر رک: ایار، ۱۳۹۹).

متوالی اروپا و ایران تصمیم گرفتند مسیر تجارت از طریق راه‌های آبی جنوب یا روسیه را جایگزین راه عثمانی بکنند (فوران، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۹)؛ و ۲. عمده کالاهای صادرشده ابریشم بود (نوذری، ۱۳۹۳: ۶۶) که لرستان در تولید این محصول سهمی نداشته است. خروج از مسیر تجارت سبب انزوای منطقه شد، این خروج به متروکه شدن راه‌ها و کاروان‌سراها منجر شد. راه‌ها به‌مثابه نهادی از رونق افتادند. این وضعیت اقتصاد را به وضعیتی نیمه‌تهاتری و شاید در خود و تهاتری تبدیل کرد که در کنار کارکرد نظامی منطقه به ازبین رفتن تولید محلی، و فروپاشی صنایع بومی منجر شد که محصول آن فقر و بیکاری بود. غلبه زیست ایلی و فقدان حیات شهری تنها منطقه شهری در این مناطق، خرم‌آباد و بروجرد امروزی است (محمدی اصل؛ رشنو، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵). بر اثر سیاست تنبیه و تعبید در دوره شاه‌عباس در سال ۱۰۰۲ق برای تنبیه شاهوردیخان، حکمران لر کوچک به لرستان لشکر کشید و دویست خانوار لر را به ولایت خوار فرستاد و بسیاری از اموال و احشام ایشان را تصرف کرد (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۶۹). این وضعیت بر پیکربندی نهادی - عاملیتی منطقه تأثیرگذار است. در حوزه فرهنگ در این دوره نهاد حوزه و نیروی روحانیت ایفاگر نقشی حیاتی هستند (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۸۰) و در شرایطی که مکتب‌خانه‌ها، کتاب‌فروشی در شهرهای مانند اصفهان فعالیت دارند (تاورنیه، ۱۳۶۰: ۵۲) این نهادها در لرستان غایب هستند. در اوایل این دوره قیصریه خرم‌آباد - که نشان از اعتبار و رونق بازار است^۱ - تحت تأثیر ناامنی‌ها به قهقرا می‌رود و حتی لرستان بعد از تجربه یورش‌های مرگبار اعراب در قرون اولیه، حمله مغول و حمله تیمور که به نابودی بسیاری از شهرهای این منطقه منجر شده بود در مسیر تجارت شمال به جنوب قرار داشت. در جغرافیای لرستان تنها در مسیر این راه تجاری بیش از ۵۰ کاروان‌سرا وجود داشت که تا به امروز آثار قابل‌توجهی از این مسیرهای تجاری باقی مانده است. شواهد زیادی دال بر رونق و امنیت نسبی و آرامش در لرستانات گزارش شده است. معروف‌ترین شهرهای این دوره عبارت بودند از خرم‌آباد، الیستر، خاوه، صد مره و هندمین (عبداللهی؛ طهماسبی، ۱۳۷۷: ۵۱). در غیبت نهاد بازار، اقتصاد تهاتری و در خود بر اقتصاد تجاری غلبه پیدا می‌کند. حملات پی‌درپی و ویرانی لرستان؛ غیبت نهادهای بازار، حوزه و نیروهای متناظر با آن‌ها در عهد صفوی عملاً این منطقه را از نخبگان و کارگزاران مؤثر آن عصر یعنی تجار، روحانیون، پیشه‌وران خالی کرده بود و تنها با توجه به کارکرد نظامی منطقه شاهد تغییر در ترکیب سران و امرای عالی‌رتبه ارتش صفویه هستیم؛ به‌نحوی که در سال ۹۵۵ش همه این مقام‌ها در اختیار ترکمانان قزلباش بود، اما در سال ۱۰۰۸ش ۴۰ درصد از امرا و فرماندهان را رؤسای قبایل لرها و کردها در اختیار داشتند (فوران،

۱. زیرا بازار واجد قیصریه بازاری است که از تأمین احتیاجات روزانه و روزمره فراتر رفته و دارای صاحبان حرف، صنایع ظریف است (محمدی اصل؛ رشنو، ۱۳۹۵: ۲۵۵).

۱۳۹۰: ۴۹). کارگزار نظامی و جنگجو تنها نیرو و کارگزار مرتبط با دولت بودند. بنابراین نخستین ارتباط رسمی لرها با حکومت مرکزی ارتباطی نظامی است، برخلاف ایالت‌های دیگر ایران که دارای روابط فرهنگی - اقتصادی و سیاسی با دولت مرکزی بودند. در این دوره رابطه تخصصی به شکل تخصص بین حکومت محلی و مرکزی وجود دارد و کم‌تر از نزاع‌های ایلی طایفه گزارش و سندی وجود دارد. در سفرنامه‌ها و گزارش‌های دولتی شواهدی از تحقیر اجتماع محلی لرها شاهد نیستیم. در دوره صفویه املاک لرستان جزو املاک خالصه بودند (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۷۶) که در قالب تیول به حاکمان محلی واگذار می‌شد و تیول‌داری بدترین شیوه‌های بهره‌کشی را ممکن می‌ساخت. چه بهره‌کشی‌ها به دلیل رفت‌وآمد مدام سپاهیان و غارت از جانب سربازان عثمانی و تهیه سیورسات لشکریان، نهادهای بهره‌کش وجود دارند. در دوره صفویه در شهرهایی مانند خرم‌آباد و بروجرد اندک عمرانی مانند ساخت پل گپ و مسجد جامع شهر (محمدی اصل؛ رشنو، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵) مورد توجه بوده است که متأثر از حملات پی‌درپی این اندک عمرانی مجدد نبود شدند. بدین ترتیب شکل‌گیری حکومت صفویه و ارتباط فی‌مابین آن‌ها با اتابکان لر و دشمنی آن‌ها با ترکان عثمانی به‌عنوان یک «بزنگاه مهم» تاریخی و نقطه شروع حوادثی شد که بر پیکربندی نهادی و نیروهای اجتماعی در لرستان - پیشکوه و پشتکوه - تأثیرگذار بود. میراث نهادی دوره صفویه برای ادوار بعد در لرستان عبارت بودند از: ۱. تقویت کارکرد نظامی لرستان پشتکوه و پیشکوه؛ ۲. افتادن در تله بن‌بست؛ ۳. درگیری‌های قبیله‌ای؛ ۴. خارج شدن از مسیر تجارت خارجی؛ ۵. بی‌سوادی عمومی؛ ۶. اقتصاد تهاتری؛ و ۷. زیست عشایری.

دوره‌های نادری و زندیه پیوند نظامی با دولت

از آنجاکه حکومت‌های افشاریه و زندیه عملاً به تغییرات آن‌چنانی در لرستان پشتکوه و پیشکوه منجر نشد و تقریباً همان وضعیت دوران صفویه با اندکی فراز و فرود ادامه داشت، ذیل یک عنوان به اختصار بررسی می‌شوند. البته پیامدهای این شرایط برای لرستان پشتکوه و پیشکوه نسبت به دوره صفویه مخرب‌تر بود. شرایط منازعه‌آمیز جهانی همچنان ادامه دارد. با استیلای افغان‌ها بر ایران، نواحی غربی ایران شامل کرمانشاه، همدان، نواحی سنندج، اردلان، نهاوند، خرم‌آباد، سراسر لرستان فیلی (ایلام و لرستان) به عثمانی واگذار شد (شعبانی، ۱۳۶۹: ۲۹). از جهت دیگر ناامنی‌ها ادامه دارد؛ جنگ نادرشاه با عثمانی بدون پیروزی به قرارداد صلح کردان منجر شد (صحرائی، ۱۳۸۹: ۵۹). لکه‌هات پیامد این جنگ‌ها برای مردم ایران وحشتناک دانسته است (فوران، ۱۳۹۰: ۱۲۶). نادر برای بازپس‌گیری نواحی غربی از دست عثمانی از سال ۱۱۱۱ش تا ۱۱۲۵ش یعنی چهارده سال با عثمانی‌ها جنگید (همان: ۱۳۴). مرزهای غربی

ایران پس از قتل نادرشاه ۱۱۶۰ق، مورد تعرض قرار گرفت (صحرايي، ۱۳۸۹: ۵۹). در دوره زنديه، عواملی از جمله مصادره اموال ایرانیان ساکن عراق، انتقال تجارتخانه انگلیسی‌ها از بوشهر به بصره در سال ۱۱۸۸ق، خلف وعده حکومت عثمانی در کمک به کریم‌خان به منظور سرکوبی اعراب بنی‌کعب، در نهایت موجب لشکرکشی کریم‌خان به بصره شد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۵۲-۱۴۷). ناامنی موجب تقویت کارکرد نظامی منطقه شد. در این دوره شاهد حضور قبایل لر و کرد در ارتش دائمی (فوران، ۱۳۹۰: ۱۴۰) هستیم. متأثر از شرایط منازعه‌آمیز جهانی از تجارت خارجی این دور از جمله روابط ایران و هلند و شرکت هلند شرقی که اولین بار در سال ۱۰۳۲ق در بندرعباس استقرار یافت و دفاتر نمایندگی خود را در بوشهر، اصفهان، کرمان و بصره تأسیس کردند (همان: ۱۹۱-۱۹۲)، لرستان متأثر از میراث به‌جای‌مانده از دوره صفوی از تجارت خارجی و داخلی در این دوره، طرفی بر نداشت. سرکوب نیروهای اجتماعی در قالب کوچیدن الوار فیلی (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۴۷-۲۶۷) تداوم می‌یابد. در حکومت زند هم برخی از طوایف به‌منظور همراهی و حمایت از وی لرستان را ترک کردند و تخصص نیروهای اجتماعی ادامه دارد (رک: استرآبادی، ۱۳۹۰: ۷۸۳). در این دوره شاهد خلأ نهادی - عاملیتی هستیم؛ نهادهای مؤثر و نیروهای متناظر مانند بازار و حوزه‌های علمیه غایب هستند. علی‌رغم وجود رابطه حداثی شاهان زند با نهاد حوزه و نیروی روحانیت (رنجبر، ۱۳۸۹). ترکیب نخبگان به دلیل غیبت نهادهای بازار و روحانیت و نیروهای متناظر با آن‌ها و غلبه نظام ایلپاتی ناکارآمد است، از عمران و آبادانی دوره زند لرستان پیشکوه و پشتکوه طرفی بر نمی‌بندند. در این دوره شهر شیراز قطب علمی است. با مروری بر خاندان‌های علم‌پرور در دوره زندیه (دهقانی، ۱۳۹۷) رد و نشانی از چنین خانواده‌های در منطقه نمی‌بینیم. در دوره زندیه اقدامات کریم‌خان تأثیرات مثبتی بر تحول و توسعه داشت؛ وی پول را به اقتصاد جامعه تزریق کرد (فوران، ۱۳۹۰: ۱۳۸). اصلاحات کریم‌خانی با ارزان شدن ارزاق، احیای صنعت، همراه بود و البته رونق در شیراز متمرکز بود و صنایع زیادی احداث کرد و صنعتگرانی که نادر از هند آورده بود به شیراز منتقل کرد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). از فعالیت‌های عمرانی شاه زند هم به زادگاهش یعنی لرستان عوایدی حاصل نشد. این بی‌توجهی منجر به تعمیق فقر شده و به گسترش بیکاری، تعطیل بازار بی‌رمق لرستان پیشکوه منجر شد؛ زیست ایلی و عشایر همچنان تداوم می‌یابد و بهره‌کشی افقی و عمودی ادامه و غارت و راهزنی رواج دارد. در چنین شرایطی تحقق توسعه دشوار به نظر می‌رسد.

دوره قاجاریه دوره تبعید و فلاکت

در این دوره همچنان شرایط منازعه‌آمیز جهانی وجود دارد، بنا به قرارداد اوت ۱۹۰۷ میلادی (فوران، ۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۸۰) انگلیس در مناطق جنوب و جنوب غربی از جمله خوزستان، بختیاری، لرستان پیشکوه و پشتکوه به دنبال اکتشاف، استخراج و غارت نفت بود. از جهت دیگر رابطه با عثمانی به دلایل عدیده از جمله معادن نمک، مراتع و همچنین رودخانه کنجان چم، اخذ مالیات نمک از ساکنان زرباطیه، تصرف معادن نمک از طرف عثمانی‌ها در سال ۱۲۷۹ق (مهمان‌نواز، ۱۳۹۰: ۲۴۰). حمله ۱۳۲۶ق به محصولات کشاورزان مهران (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱)، بدرفتاری دولت عثمانی با زوار ایرانی، ترس از گسترش شیعه، انتقال غیربهداشتی جنازه‌ها (زارعی؛ حیدری بابا کمال، ۱۳۹۵: ۱۱۹)، تغییر تابعیت تبعه‌های ایرانی (دهقان‌نژاد؛ معینی؛ قائد شرفی، ۱۳۹۵) تخصیصی بود. پس از ظهور عراق همچنان اختلافات مرزی به دلیل ادعای عراق رودخانه‌های مرزی و مسئله اتباع ایرانی پابرجا بود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۷). در نهایت به انعقاد معاهده ارزنه‌الروم در سال ۱۲۳۹ق ختم شد که نتوانست به توافق و صلحی پایدار منجر شود (شمیم، ۱۳۷۸: ۱۲۲). به عبارتی منطقه همچنان کارکرد نظامی خود را حفظ کرده بود. متأثر از این شرایط، علی‌رغم تردد به عتبات عالیات و اهمیت حضور علما در عراق، انتقال اجساد به عتبات؛ توجه دربار به عتبات (اشرف، ۱۳۵۹؛ فلانندن، ۱۳۵۶: ۱۹۶؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۸۶؛ دیولافوا، ۱۳۸۵: ۱۱۵) از مسیر تجاری و ارتباطی دور ماند. ارتباط با نواحی مرکزی ایران به دلیل موانع طبیعی سخت و با همسایه تاریخی به دلیل خصومت تاریخی به حداقل ممکن خود رسیده بود. این حصر در مورد لرستان پشتکوه شدیدتر بوده است، زیرا رفت‌وآمد منحصراً با عراق بوده است (درخشان، ۱۹۹۴: ۲۳۲). از وسایل ارتباطی مرسوم دوره قاجاریه در ایران مانند تلگراف، جاده شوسه، و خط آهن هیچ‌کدام در لرستان وجود ندارند. غربی‌ها خاصه انگلیسی‌ها و مأموران و کارداران شرکت‌ها و سیاحان وابسته به آن‌ها به ارائه تصویری سویافته و کلیشه‌های قالبی و شرق‌شناسانه در مورد مردم لر پرداختند. سیاحانی از جمله دود، گروته، لایارد، ویلسن، راولینسون. نامنی‌های گسترده زندگی یکجانشینی در قالب دهات و شهرها را از بین برده بود، در شرایطی که در تمام نواحی ایران زندگی شهرنشینی در حال نضج گرفتن بود (فوران، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۹۶). جمعیت لرستان پشتکوه همچنان کوچ‌نشین هستند. اگرچه تحلیل‌های اقلیمی مراتع مناسب زاگرس را علت تداوم کوچ‌نشینی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۹؛ اوری؛ هامبلی؛ ملوبل، ۱۳۸۸). اما باید اظهار کرد که کوچ‌نشینی پاسخی به شرایط نهادی و تهدیدات فرامرزی در لرستان بود. حاج سیاح اشاره می‌کند که مردم لر معتقدند که مال با پادار باشد در موقع خطر بتوانی فرار بکنی (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۷۲). فقدان

زیست شهری به دلیل پیوند برخی از نهادها با شهر، موجب غیبت نهادی - عاملیتی شد. در ساحت فرهنگ نهاد حوزه و مدارس و نیروهای اجتماعی متناظر با آن‌ها که در شکل دادن به ایدئولوژی از اهمیت خاصی برخوردار بودند (فوران، ۱۳۹۰: ۲۰۶) در لرستان غایب هستند. غیبت نهاد روحانیت، لرستان را از کارکردهای مترتب بر این نهاد و نیروهای متناظر با آنکه به شرح ذیل بود محروم ساخت: ۱. آگاهی بخشی دینی (اوری؛ هامبلی؛ ملوبل، ۱۳۸۸: ۴۸۸-۴۸۹)؛ ۲. مقابله در برابر حکام (فوران، ۱۳۹۰: ۲۳۹)؛ ۳. قضاوت (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱)؛ ۴. آموزش (شمیم، ۱۳۷۸: ۳۷۹)؛ ۵. موقوفات (لمبتون، ۱۳۴۵: ۴۲۲). همچنین در غیبت نهاد بازار و نیروهای متناظر با آن، به جای عاملیت تجار، صنعت‌گران و پیشه‌وران شاهد یک اقتصاد در خود و تهاتری در پشتکوه و یک بازار بسیار ضعیف در پیشکوه هستیم. گروه می‌نویسد «پول نقد هرگز ردوبدل نمی‌شد و معاملات پایاپای بود» (گروته، ۱۳۶۹: ۵۸). بازار می‌توانست در: ۱. تبدیل اقتصاد تهاتری به اقتصاد پولی؛ ۲. تقسیم بار مالیاتی و مالی (فوران، ۱۳۷۸: ۲۱۶؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۲۷)؛ ۳. ارائه خدمات عمومی و عام‌المنفعه (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۵۰)؛ ۴. مدیریت جنبش‌ها و اعتراضات (کدی، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ ۵. تلاش برای صنعتی شدن و احداث مسیرهای ارتباطی (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۸؛ فوران، ۱۳۹۰: ۱۹۶؛ وره‌رام، ۱۳۶۷: ۱۳۹) مؤثر باشد. ظهور نیروی اجتماعی روشنفکری از دوره قاجار است، اما مرور خاستگاه‌های روشنفکری: ۱. اشرافیت؛ ۲. روحانیت؛ ۳. ایلات؛ ۴. شهرنشینی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۴۲-۶۰) نشان می‌دهد در لرستان پشتکوه و پیشکوه تقریباً منابع مذکور وجود نداشتند؛ نیروی ایلی و طایفه‌ای شاید مهم‌ترین نیروی اجتماعی پیش‌برنده تحولات البته در قالب روابط تخصم‌آمیز (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰ الف) در لرستان است. غیبت نیروهایی مانند تجار، روحانیت، روشنفکران ترکیب نخبگان را در لرستان ناکارآمد کرده بود. دعوای ایلات برخلاف خاندان‌های حکومت‌گر و نخبگان در سایر ایالت‌های ایران که حول موضوعات فرهنگی و صنعتی بود بر سر موضوعاتی مانند: زمین و مرتع و آب و همچنین دستیابی به مناصب محلی بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۴). از جهت دیگر مهاجرت‌های اجباری، تبعید، قتل و اعدام سران طوایف در دوره ظل‌السلطان (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰ الف: ۲۱۲-۲۱۵) در سرکوب نیروهای اجتماعی مؤثر بوده است. کاهش چشمگیر جمعیت این منطقه بنابر اسناد موجود تأمل‌برانگیز است؛ مقایسه تعداد خانوارهای لرستان پشتکوه و پیشکوه در دوره فتحعلیشاه به ترتیب ۳۶,۰۰۰ و پیشکوه ۸۰,۰۰۰. این رقم در دوره ناصرالدین‌شاه به ترتیب برای لرستان پشتکوه ۴,۳۲۵ و پیشکوه ۲۰,۶۷۵ خانوار تقلیل یافته است (صفی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۵۰۸). همین وضعیت و مزید بر آن، غیبت نیروهای اجتماعی مانند روحانیت و مرجعیت، تجار، بازاریان و صنعتگران و غیبت خاندان‌های مهم و رقیب در دوره

قاجار برخلاف سایر ایالت‌های ایران مانند خاندان غفاری و شیبانی و ... در کاشان (سادات، ۱۳۸۶) خاندان دنبلی در تبریز (آبه، ۱۳۹۳)؛ خاندان مشیرالملک، قوام و قشقایی در شیراز (رنجبر؛ کشاورز، ۱۳۹۷) وفق تعبیر آبراهامیان از ایران دوره قاجار با عنوان جامعه ضعیف (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۱) می‌توان مدعی بود که در منطقه مورد مطالعه ما شاهد اجتماع نحیف هستیم. فقدان جنبش‌های اعتراضی و عدم ارتباط با جنبش‌های معاصر مانند انقلاب مشروطه که آن را محور تحولات اجتماعی ایران در ۱۲۸۴ تا ۱۳۹۰ می‌دانند (فوران، ۱۳۹۰: ۲۵۹) مؤید این ادعاست. از مجموع جنبش‌های اعتراضی که در دوره قاجار رخ داده است مانند جنبش تنباکو در شهرهایی مانند شیراز، اصفهان، تبریز، تهران و ... (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۹۴)، جنبش انقلابیون گیلان که ۱۲۳۲ ق (ورهرام، ۱۳۸۸: ۳۵۰)؛ جنبش خداوردی خراسان در سال ۱۳۳۸ (همان: ۳۲۷)؛ جنبش محمدتقی پسیان و حرکت ابوالقاسم لاهوتی (همان: ۳۷۵). از مجموع ناآرامی‌هایی اعتراضی که ۱۲۰۹ تا ۱۲۴۶ در شهرهای ایران که قدرت دولت به مبارزه طلبیده شد (فوران، ۱۳۹۰: ۲۳۸) هیچ جنبش اعتراضی با خواسته‌های مشخص در لرستان پشتکوه صورت نگرفته است؛ بنابراین در شرایط وجود «جامعه ضعیف/ نحیف» ظرفیت ایجاد نهادهای بهره‌کش عمودی حتی با وجود «دولت ضعیف» ممکن می‌شود و این بهره‌کشی در مناطق دورافتاده‌تر شایع‌تر (اوری؛ هامبلی؛ ملوبل، ۱۳۸۸: ۵۴۰) و البته ظالمانه‌تر بوده است و در قالب نهادهای بهره‌کش عمودی و افقی عمل می‌کردند. در چنین شرایطی توجه حکام محلی و نخبگان به احداث صنایع و عمران بعید می‌نمود و حتی در تلاش دولت برای احداث کارخانه‌های کوچکی مانند نخ‌ریسی، پنبه‌پاک‌کنی، تولید نخ ابریشم، کبریت‌سازی، صابون‌سازی و ... (اوری؛ هامبلی؛ ملوبل، ۱۳۸۸: ۴۶۵) لرستان مورد توجه نبود. در چنین شرایطی توسعه یعنی توجه به عمران، رفاه موضوعی دست‌نیافتنی خواهد بود.

دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) سرکوب، اسکان و عمران آمرانه

در دوره پهلوی شرایط منازعه‌آمیز جهانی برای لرستان همچنان ادامه دارد؛ اختلاف ایران و دولت عثمانی در طول چهار قرن علی‌رغم بسته شدن بیش از هجده قرارداد صلح و چندین پروتکل مرزی همچنان حل نشده ماند (صحرائی، ۱۳۸۹: ۳۴). اختلاف بین ایران و عراق بر سر اگردرود در ۱۳۱۳ش (همبلی، ۱۳۸۸: ۴۲)؛ ادعای عراق مبنی بر مالکیت برخی از مناطق مرزی ایلام (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۵۲-۴۵۳)؛ انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ قرارداد الجزیره (ازغندی، ۱۳۸۳: ۴۰۶-۴۰۷) هم اختلافات را پایان نداد. بی‌توجهی پهلوی دوم به همسایگان در تز ناسیونالیسم مثبت، سبب خصومت نیروهای عرب با وی شده بود (همبلی، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۳۴).

وقوع جنگ جهانی دوم و حضور متفقین نیز شرایط جهانی را برای ایران و منطقه مورد مطالعه منازعه‌آمیزتر کرد حضور استعماری انگلیس در نواحی جنوب و جنوب غرب کشور (عتیق‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲) و خرید ارزاق از جانب نیروهای متفقین در ایران موجب قحطی در ایران شد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۳۶). در این شرایط منطقه همچنان کارکرد نظامی خود را حفظ کرده بود. دولت انگلیس با تجهیز عشایر لر (کسروی، ۱۳۶۲: ۲۰۰-۲۰۱) به این نامنی می‌افزود. این وضعیت در دوره اول پهلوی از منظر روابط و مناسبات خارجی در لرستان نوعی حصر ایجاد کرد. البته لرستان پیشکوه و پشتکوه در این دوره از هم مستقل شدند. در دوره پهلوی اول بیشتر شمال و جنوب کشور به هم وصل و به روستاها و جاده‌های بین‌شهری توجهی نشد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۳). از نظر وسایل ارتباطی و جمعی هم وضعیت نامطلوبی در لرستان حاکم است. هیچ‌گونه تجارتي با همسایه غربی گزارش نشده است. لرستان پیشکوه به دلیل احداث جاده اهواز تهران در مسیر ارتباطات داخلی قرار گرفت. در این دوره خاصه پهلوی اول شاهد سرکوب نیروهای اجتماعی هستیم «گفتمان مدرنیسم مطلقه» و خشونت‌آمیز دولت مرکزی باعث قتل و کشتار و خون‌ریزی در میان عشایر لر شد (بهرامی، ۱۳۷۷). به این منظور عملیات‌های متعددی از جمله در اواخر حکومت قاجار کشتار و غارت میر احمدی در لرستان (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۲۰؛ داگلاس، ۱۳۷۷: ۷۷-۱۷۲) شاه‌بختی در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ (بیات، ۱۳۷۶)، سرهنگ درخشانی (درخشانی، بی‌تا) در پیشکوه و بخش‌هایی از پشتکوه عملیات نظامی سرهنگ رزم آرا و جنگ رنو در پشتکوه انجام گرفت. از جهت دیگر مهاجرت‌ها به منظور پیدا کردن شغل به خارج از کشور (ازغندی، ۱۳۸۲: ۲۱) و به دلیل نزاع‌های طایفه‌ای، ادامه داشت. سرکوب و تخاصم با نیروهای اجتماعی در قالب سیاست اسکان (فوران، ۱۳۹۰: ۳۵۰) برنامه خلع سلاح عشایر و تبعیدهای گسترده (والیزاده، ۱۳۸۰: ب: ۲۵۳) تداوم یافت. این سرکوب بدون اهداف اقتصادی و با هدف تضعیف ایلات بود (مک لاک لان، ۱۳۸۸: ۱۵۷). علی‌رغم غیبت نهاد بازار و حوزه، نهادهای نوینادی مانند دانشگاه، احزاب، هیئت‌های مذهبی و نیروهای متناظر با آن‌ها غایب هستند. غیبت بازار در ادوار قبلی در لرستان شاید در شکل‌گیری این پیکربندی نهادی مؤثر بود، چراکه ترکیب مسجد - بازار تقریب و ترکیب نهاد دین و بازار را سبب شده بود (بهشتی‌سرشت رحیمی؛ آدینه‌وند، ۱۳۹۴: ۲۵) و هیئت‌های مذهبی همگام با بازار در پایان پهلوی کارکرد سیاسی داشتند (روحبخش، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ مظاهری، ۱۳۸۹: ۵۱). بازار حامی جنبش ملی نفت (فوران، ۱۳۹۰: ۴۲۱) و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (روحبخش، ۱۳۸۱) بود. باوجود افزایش اهمیت طبقه متوسط جدید (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۵۶) در برابر بازاریان و شکوفایی فعالیت سیاسی در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ از جمله در شرایطی مانند ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ که

نهضت‌ها دانشجویی و کارگری در حال اوج گرفتن بودند (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۰۰-۳۰۳) خبری از این فعالیت‌ها به صورت گسترده و نظام‌مند در لرستان نیست. تأسیس حوزه در لرستان به ۱۳۲۹ برمی‌گردد و خروجی‌ها این حوزه در سال‌های پایانی حکومت پهلوی به عرصه سیاسی و اجتماعی وارد شدند. غلبه زیست ایلی موجب شده بود نهادهایی مانند پاتوق (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴: ۲۷) و قهوه‌خانه (چکلوفسکی، ۱۳۸۸: ۳۴۶) با عنایت به کارکردهای آن غایب باشند. از جهت دیگر در این دوره شاهد ترکیب ناکارآمد نخبگان هستیم. بسیاری از نخبگان سیاسی ایران متولد تهران و شهرهای بزرگ بوده‌اند (زونیس، ۱۳۸۶: ۲۴۶). در دوره پهلوی رابطه بین نیروهای اجتماعی یعنی ایلات و از سوی دیگر ارتش و بوروکرات‌ها در دوره پهلوی اول و دوم تخصصی و تزاومی بود؛ ایلات به‌مثابه مهم‌ترین نیروهای اجتماعی همچنان درگیر نزاع‌های درون‌طایفه‌ای و بین ایلی خود هستند. علی‌رغم مخالفت پهلوی با زیست عشایری؛ در دوره پهلوی دوم؛ زیست ایلی عشایری در بوروکراسی مدرن به صورت بدقواره ادغام شد. شاید شهرهای لرستان و ایلام را بتوان معادل شهر نیمه‌روستایی وبری (رک: وبر، ۱۳۶۹: ۷۲) نامید. اصلاحات ارضی هم در ترغیب به یکجانشینی و بهبود وضعیت مردم تأثیر آن‌چنانی نداشت (ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۹۳). تحقیر اجتماع محلی همچنان در قالب سفرنامه‌نویسی و البته این بار به کمک صنعت سینما و فیلم‌های «دختر لر» در سال ۱۳۱۱ و سپس «فیلم لر به شهر می‌رود»، همچنان تداوم می‌یابد. تداوم تحقیر در هم‌جواری غیبت نیروهای مانند روحانیت، روشنفکران، نخبگان سیاسی، مالکیتی و سمبولیک به شکل‌گیری «اجتماع نحیف‌شده» منجر بود که شرایط را برای شکل‌گیری نهادهای بهره‌کش فراهم می‌کرد. فساد در سطوح محلی مزید بر آسیب‌پذیری از فساد در سطح ملی، بهره‌کشی‌ها از رعایا توسط مالک، پرداخت بدهی به سلف‌خر، نزول خوار، کدخدا، میراب امکان نمی‌داد که بیش از بخورونمیری نصیب آنان شود (ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۴۹). بنابراین در این دوره هم شرایط برای بهره‌کش عمودی و افقی در لرستان مهیا شد. تأسیس مراکز صنعتی و توجه به عمران در مقایسه با شهرهای دیگر ناچیز بود. اگرچه در پایان سلطنت رضاشاه صنایع نظیر تصفیه شکر، نساجی در بسیاری از مراکز شهری تأسیس شد (همبلی، ۱۳۸۸: ۳۱). اما در لرستان از این تأسیسات خبری نیست. دوره بزرگ توسعه اقتصادی پس از سال ۱۳۴۳ دو برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۳-۱۳۴۷) و چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۲) را دربر می‌گرفت که طی آن‌ها صنایعی مانند ذوب‌آهن اصفهان، احداث سه کارخانه نورد، ذوب‌آهن و فولاد در جنوب گسترش صنعت خودروسازی و معدن مس سرچشمه و صنایع مادر (مک لاک لان، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۷۸) ساخته شدند. در این دوره عملاً به لرستان پیشکوه و پشتکوه توجهی نشد. کشاورزی سنتی بخش غالب اقتصاد و معیشت مردم بود. تحلیل

ارقام بودجه برنامه‌های دوران پهلوی بی‌توجهی به بخش کشاورزی را نشان می‌دهد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۶۸؛ فوران، ۱۳۹۰: ۳۳۷). بی‌توجهی به بخش کشاورزی عملاً مردم این منطقه را از کانون توجه برنامه‌های عمرانی توسعه خارج کرد. با وجود شرایط مذکور و نهادهای بهره‌کش امکان توسعه یعنی ایجاد عمران، توجه به رفاه و بهزیستی شهروندان ممکن نیست.

تحلیل تاریخی تبیینی

همچنان که در بحث روش پژوهش اشاره کردیم به‌منظور ارائه یک تحلیل بین‌دوره‌ای از تکنیک جبر بولی با هدف شناسایی عامل‌ها و ترکیب‌های علی استفاده می‌کنیم.

جدول ۱. تحلیل انتزاعی عوامل علی برحسب جبر بولی

نگارش به زبان جبر بولی	پیامد (P) عدم توسعه	فقدان مسیر تجاری R	نهادهای بهره‌کش N	تحقیق اجتماع محلی/غیرت‌سازی M	زیست ایلی/عشایری (L)	اقتصاد در خود/تهاتری H	رابطه تقاضای نیروهای اجتماعی (G)	ترکیب ناکارآمد نخبگان (F)	خلأ نهادی/عاملیتی (اجتماع نخبه) E	سرکوب نیروهای اجتماعی D	کارکرد نظامی منطقه C	خروج از مسیر ارتباطی B	تأثیر زبان‌بار از منازعه خارجی A	موارد / دوره
ABCDEFGLmNR	۱	۱۱	۱۱	۰۰	۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	صفویه
ABCDEFGLmNR	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	افشاریه
ABCDEFGLmNR	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	زندیه
ABCDEFGLmNR	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	قاجاریه
AbCDEFGLmNR	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	پهلوی اول
AbCDEFGLmNR	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	پهلوی دوم

براساس یافته‌های پژوهش و مطابق با قواعد جبر بولی الگوی علی زیر به‌دست آمده است:

$$P=ABCDEFGLmNR+ ABCDEFGLmNR + ABCDEFGLMNR + ABCDEFGLMNR + AbCDEFGLMNR + AbCDEFGLHIMNR=ABCDEFGLNR + AbCDEFGLHIMNR= ACDEFGLHNR (M)$$

بر این اساس می‌توان استدلال کرد که توسعه‌نیافتگی در لرستان طبق الگوی علی فوق رخ داده است به‌عبارت دیگر علت‌های ضروری اما ناکافی در رخداد پدیده را می‌توان این‌گونه بیان کرد که اگر وضعیت منازعه‌آمیز شرایط جهانی (A)، کارکرد نظامی منطقه (C)، خروج منطقه از مسیر تجارت (R)، سرکوب نیروهای (D)، خلأ نهادی/عاملیتی (E)، ترکیب ناکارآمد نخبگان

(F) و رابطه تخصصی نیروهای اجتماعی (G)، اقتصاد در خود یا تهاتری (H) نهادهای بهره‌کش (N) وجود داشته باشد به شرط تحقیر اجتماع محلی/ غیریت‌سازی (M) توسعه رخ نمی‌دهد. باید توجه کرد که تحقیر اجتماع محلی در دوره صفویه و افشاریه وجود نداشته است. با عنایت به توضیحات فوق ترکیب‌های علی که در رخداد «عدم توسعه» مدخلیت دارند مشخص شده است. پژوهشگر می‌تواند این سؤال بپرسد که تحت کدام شرایط «توسعه» در حوزه مورد مطالعه تحقق پیدا می‌کرد. بنابراین می‌توان با استفاده از قانون دمورگان^۱ به ارزیابی ترکیب‌های علی پرداخت که با عدم رخداد‌های توسعه‌نیافتگی ارتباط دارند. به این معنا که توسعه تحت کدام شرایط می‌توانسته رخ دهد.

$$=a+c+e+f+g+h+n+r+m \quad P=ACDEFGHNR(M)$$

بر این اساس می‌توان استدلال کرد که توسعه در حوزه مورد مطالعه رخ می‌داد اگر روابط صلح‌آمیز با عثمانی و در نتیجه منطقه، کارکرد غیرنظامی پیدا می‌کرد و در مسیر تجارت قرار می‌گرفت و به واسطه این وضعیت، اقتصاد تهاتری آن به اقتصادی بازاری تبدیل می‌شد. همچنین از منظر نهادی و عاملیتی چنانچه نیروهای اجتماعی سرکوب نمی‌شدند و در نتیجه خلأ نهادی/ عاملیتی اصلی تجربه نمی‌شد و ترکیبی کارآمد از نخبگان شکل می‌گرفت و رابطه تعاملی بین نیروهای اجتماعی (g) شکل می‌گرفت و از تحقیر اجتماع محلی اجتناب می‌شد و در نهایت نهادهای غیربهره‌کش شکل می‌گرفتند، توسعه در لرستان پیشکوه و پشتکوه ممکن می‌شد.

نتیجه‌گیری

گفتمان توسعه از آغاز هژمونیک به نظر می‌رسید. این وضعیت هژمونیک ذیل رویکرد نوسازی به توسعه به مطالعات مقطعی، تحلیل‌های هم‌زمان و تخطئه فرهنگ‌های بومی در توسعه بسنده کرده است؛ غافل از اینکه نیروهای علی مؤثر بر توسعه در طولانی‌مدت پدیدار می‌شوند. توجه به زمانمندی، سبب برجسته شدن علی در باب تبیین «عدم توسعه» می‌شود که از زاویه نگاه غیرتاریخی پنهان خواهد ماند. پرسش از چرایی عدم توسعه در اجتماعات محلی و قومی ایران در بین عامه مردم بنابر نگاه‌های سیاسی و در بین دانشگاهیان با تخطئه فرهنگ بومی در اجتماعات محلی، پاسخ داده می‌شود. در این مقاله برای تبیین پدیده

۱. به منظور آشنایی بیشتر با قانون دمورگان به عنوان یکی از مراحل جبر بولی به فصل سوم ریگین (۱۳۹۷)، ساعی (۱۳۹۲) مراجعه شود.

«توسعه‌نیافتگی» از تئوری‌های نهادگرایی تاریخی نورث و اگلو در ترکیب با «نظریه جامعه ایرانی» استفاده شده است.

یافته‌های تفسیری این مقاله نشان می‌دهند که «شرایط جهانی» پیوسته منازعه‌آمیز در سده‌های متوالی سبب «کارکرد نظامی» منطقه شده است. در نتیجه این وضع، لرستان «خروج از مسیر تجارت» و «ارتباطات» را طی سده‌ها تجربه کرد. در چنین شرایطی شهرهای مانند اصفهان، شیراز و... محل تردد تجار، صنعت‌گران بودند. هر چند در دوره پهلوی مسیرهای ارتباطی برای مناطق مرکزی ایران در لرستان ایجاد می‌شود، اما این مسیر برآمده از نیاز طبیعی منطقه نبود، بلکه به‌مثابه حلقه‌ای از جاده سراسری شمال - جنوب عمل می‌کرد. از سویی دگر، تحولی در صنعت و تولید رخ نداده بود که مسیرهای ارتباطی در جهت تجارت به‌کار گرفته شوند همچنین در ادوار تاریخی متفاوت با اندک اختلافی، مهاجرت‌های گسترده، تبعیدهای اجباری و کشتاری یعنی «سرکوب نیروهای اجتماعی» شاهد هستیم که با انهدام گونه‌های مختلف سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همراه بود، زیرا در تبعید و کشتار معمولاً داناترین، باجسارترین افراد کشته یا کوچانیده می‌شدند؛ این طریقه کشتار و تبعید کم‌تر تفاوتی با کشتار دسته‌جمعی داشت، چراکه با کشتن و تبعید زبان‌آوران و نام‌آوران عملاً جامعه به‌جای مانده جامعه‌ای نحیف و مستعد پذیرش بهره‌کشی در انواع صورت‌های خود بود. در هم‌جواری با وضعیت مذکور، شاهد غیبت نهادها و نیروهای متناظر با این نهادها در هر دوره تاریخی از جمله نهادهای تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران مانند «حوزه» و «بازار» هستیم که هیچ‌گاه سطح بسیار پایین‌تری از این نهادها، شبیه آنچه در شهرهایی مانند تبریز، اصفهان، شیراز، تهران وجود دارد در لرستان وجود نداشته‌اند. بنابراین «خلأ نهادی - عاملیتی» برای لرستان پیامدهای ناگواری به همراه داشته است؛ کارکردهای چندگانه نهادهایی مانند بازار و حوزه و عاملیت متناظر با این نهادها - مجتهدان، طلاب، تجار، صنعتگران - و جایگزینی آن‌ها با یک بازار بسیار محدود و نیروهای مانند دکان‌داران و تهاترکاران دوره‌گرد، کدخداها، متولیان بقاع متبرکه و قدمگاه‌ها، تفنگچی‌ها و تهاترکاران دوره‌گرد در عمل لرستان را از سنت وقف، ایجاد صنایع مقتضی روز، گسترش سواد خواندن و نوشتن، تأسیس بناهای عام‌المنفعه، حرکت‌های سیاسی و اعتراضی بازاریان مانند شهرهای تبریز، تهران، اصفهان، شیراز و... محروم ساخت. این شرایط «ترکیب نخبگانی ناکارآمد» را موجب می‌شد. در شرایطی که خاندان‌های مهم و حکومت‌گر در شهرهای مرکزی و مهم ایران بر سر مسائلی مانند احداث مدارس نوین، جاده، راه‌آهن، کارخانجات، و مؤسسات فرهنگی رقابت دارند، رؤسای قبایل و ایلات و حشم‌داران، مناقشه مرتع را در کانون توجه خود قرار می‌دهند. سیستم قبیله‌ای و عشیره‌ای که

بستر «تخاصم نیروهای اجتماعی» در منطقه بود به واسطه دخالت‌های تعمدی حاکمان محلی و مأموران اطلاعاتی شرکت‌های خارجی هر روز تخصصی‌تر می‌شد؛ در چنین شرایطی امکان درک مشترکی از مسائل اصلی جامعه و انباشت کنش در هیچ حوزه‌ای فراهم نمی‌شود؛ «خصوصیت‌ها و نزاع‌های» ایلی که به کشته شدن، کوچاندن و فرار اعضای یک طایفه منجر می‌شد در قیاس با «رقابت» بین خاندان‌های حکومتگر و مهم شهرهای مرکزی، که در صد پیشی گرفتن از هم در راه‌اندازی و تأسیس صنایع و مراکز فرهنگی بودند، نشان می‌دهد که چگونه مسیر تاریخی طی شده بر پیکربندی نهادی - عاملیتی و در نهایت بر توسعه اثرگذار است. متأثر از این شرایط زیست ایلی و عشایری در بازه‌های زمانی متوالی به‌مثابه مکانیسم بقا اتخاذ می‌شد، زیست شبانی و کوچ‌روی در شرایطی که ناامنی داخلی و خارجی چند سده تداوم داشته است و نیاز به یکجانشینی در قالب شهر یا روستا به‌مثابه یک نیاز از درون مختصات اجتماعی ظهور نمی‌کند، اجتناب‌ناپذیر می‌شود و سده‌ها تداوم می‌یابد. غیبت نهاد بازار، انسداد ارتباطی و خروج از مسیر تجارت، شرایط را برای شکل‌گیری یک «اقتصاد در خود یا تهاتری» فراهم می‌کند. غلبه اقتصاد تهاتری در پنج دوره تاریخی به شیوه‌ای مشخص سامان گرفته بود و سده‌ها به‌صورت تثبیت‌شده زمینه را برای استثمار و بهره‌کشی مضاعف تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در اجتماع محلی فراهم می‌آورد. بعد از دوره صفویه و خاصه در دوره قاجاریه، مسئله نفت و حضور استعماری انگلیس، در قالب سفرنامه‌ها و مطبوعات داخلی و خارجی به ارائه تصویری مخدوش از لر و لرستان پرداخته شد و «تحقیر اجتماع محلی» در قالب گزاره‌های شرق‌شناسانه را شاهد هستیم. غیریت‌سازی از اجتماع محلی اثرات متفاوت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر منطقه داشته است، و شرایط را برای توجیه سرکوب، بی‌توجهی به مسائل رفاهی و عمرانی این منطقه فراهم می‌کرد. این وضعیت با باز شدن پای استعمار به منطقه نفت‌خیز لرستان از اواخر دوره صفویه شروع می‌شود. در بسیاری از موارد خود حکام محلی به‌عمد زمینه ناامنی سیاحان و تاجران فراهم کرده و «لرها» را متهم به ناامنی می‌کردند. انگلیسی‌ها و سایر دول اروپایی که به دنبال دفینه‌های باستانی و نفت این مناطق بودند، بیشترین بهره را از کینه کریم‌خانی خاندان قاجار از لرها بردند و غارت‌شدگان را در جایگاه «دزد و غارت‌کننده» نشاندهند. بنابراین فرصتی فراهم شد تا عمال حکومت‌های قاجار و پهلوی هر آن‌گونه که دوست دارند زیاده‌ستانی کنند و برنامه‌های خود را عملیاتی سازند. در غیبت نهادهای اثرگذار هر دوره مانند حوزه، بازار، دانشگاه، احزاب و... عاملیت‌های متناظر با این نهادها مانند مجتهدان، علما، روشنفکران، تجار، صنعتگران، روشنفکران، جنبش‌های دانشجویی و کارگری، احزاب و نیروهای سیاسی در هم‌جواری با انسداد ارتباطی، تجاری تخصص و سرکوب نیروهای اجتماعی، شرایط

برای شکل‌گیری «اجتماع ضعیف» فراهم می‌شود. جامعه مورد مطالعه بیش از مناطق دیگر مستعد بهره‌کشی‌های عمودی و افقی می‌شد. جامعه ضعیف شکل‌گرفته شرایط را برای «نهادهای بهره‌کش و غیرفراگیر» مهیا کرد. نهادهای بهره‌کش به‌مثابه مانعی برای تولید، عمران و تلاش بیشتر عمل می‌کردند و ثروت را از دست تولیدکنندگان واقعی در اجتماعات محلی خارج می‌کردند، بدون آنکه به عمران منطقه توجه اندکی داشته باشند. بهره‌کشی‌های افقی و عمودی که در متنوع‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال خود وجود داشتند، امکان هرگونه انباشت و در نتیجه میل به ساختن و تلاشگری از اجتماع محلی سلب می‌کرد. تحت چنین فضایی اگرچه برخی از نهادها و نیروهای پیش‌ران تحول در منطقه حضور دارند و حرکت‌های عمرانی و توسعه‌ای ناچیز را در منطقه شکل می‌دهند، اما متأثر از مجموعه علی‌زمانند قادر به طرح توسعه‌خواهی و تثبیت آن به‌عنوان یک مطالبه عمومی نیستند. در چنین شرایطی رغبتی برای ساختن و تمایل به عمران در بین مردم شکل نگرفته و حاکمان محلی نیز به دلیل درگیری‌های پی‌درپی فرصتی برای توسعه پیدا نمی‌کنند.

نکته بسیار مهم درباره یافته‌های تبیینی که با استفاده از جبربولی تحلیل شده‌اند این است که با وجود فاصله زمانی بین دوره‌های مورد مطالعه و تفاوت‌های ساختاری که میان این دوره‌ها وجود دارد، با اختلاف اندکی عوامل یکسانی موجب عدم توسعه در منطقه مورد مطالعه شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که چارچوب نظری مورد استفاده از توانایی تبیین پدیده‌های مورد مطالعه برخوردار است. یافته‌های تبیینی با یافته‌های تفسیری تحقیق در مورد نقش متغیرهای مطالعه‌شده به‌جز دو متغیر خروج از مسیر ارتباطی و زیست ایلی، همسو هستند. در توجیه این وضعیت می‌توان چنین استدلال کرد که متغیرهای مسیر ارتباطی و گسترش شهرها در حوزه مورد مطالعه کم‌تر برآیند یک فرایند و تحولات درونی بوده است؛ بلکه شهر برآیندی از نوعی گفتمان توسعه فرمانی بوده است. به این دلایل است که متغیرهای مذکور با عدم توسعه در منطقه ارتباطی نداشته‌اند. مسیر ارتباطی در صورتی که پیوند ارگانیک با نیازهای منطقه نداشته باشد و در جوار تجارت قرار نگیرد نمی‌تواند در توسعه مداخلت داشته باشد. در مورد نامرتب بودن متغیر «زیست ایلی» با عدم توسعه می‌توان چنین استدلال کرد که آنچه در دوره اول پهلوی به‌عنوان سیاست یکجانشینی عشایر از آن یاد می‌شود، بدون ارتباط با معیشت مردم در دوره دوم پهلوی به تأسیس شهرهای فرمایشی منجر شد که تنها براساس فرامین سیاسی شهر خوانده می‌شدند، شهر و ظهور آن در دوره معاصر در حوزه مورد مطالعه کم‌تر برآیند یک فرایند و تحولات درونی بوده است.

در مورد میزان سازگاری تئوری‌های به کار گرفته شده و مطالعات پیشین می‌توان چنین استدلال کرد که وفق مدعیات و فرضیات نهادگرایی اغلو (۱۳۹۵)، نورث (۱۳۹۷)، آزادارمکی (۱۳۹۱) و ترکارانی (۱۳۹۳) نشان داده شد که چگونه پیکربندی نهادی - عاملیتی و مسیرهای طی شده تاریخی در پنج دوره تاریخی در لرستان، سازه‌های ذهنی‌ای که افراد برای تبیین و تفسیر جهان پیرامونشان شکل می‌دهند و میراث‌هایی که از ادوار قبلی یا مسیرهای تاریخی پیشین، دریافت می‌کنند به صورت سازه‌ها و میراث‌های ناساز با توسعه شکل گرفته است. بنابراین برخلاف رویکردهای غالب در ارتباط با اجتماعات محلی که عمدتاً بر پایه رویکرد نوسازی به تحلیل توسعه پرداخته‌اند باید هم‌نوا با آمارتیاسن اظهار کرد که نظریه فرهنگی یک گام از دنیا عقب بوده، اما در به‌پا خاستن، گردوخاک و تکاندن و خود را آراسته نشان دادن توانایی عجیبی دارند (سن، ۱۳۹۷: ۸۹). از این منظر می‌توان استدلال کرد که وضعیت «توسعه» منطقه مورد مطالعه در این بازه زمانی - از صفویه تا پایان دوره پهلوی - برحسب مسیرهای تاریخی، وضعیت نهادی و نیروهای اجتماعی در تعامل با شرایط جهانی، ملی و محلی و شکل‌گیری اجتماع نحیف مستعد اشکال بهره‌کشی افقی و عمودی، قابل تحلیل است و به عبارتی دیگر توسعه در این ایالت تاریخی ایران پیامد ترکیب‌های علی‌زمانمند بوده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبه، فومی ناو (۱۳۹۲) «رابطه بین نخبگان محلی و سلسله سلطنتی: مطالعه موردی خاندان نجفلی خان دنبلی تبریز در دوره قاجار»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، شماره ۷: ۱-۱۶.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰) *مدرنیته ایرانی؛ روشنفکران و پارادایم عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: اجتماع.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴) *پاتوق و مدرنیته ایرانی*، تهران: لوح فکر.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱) *بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی*، تهران: نشر علم.
- آزاد ارمکی، تقی؛ جنادله، علی (۱۳۹۳) «پیکربندی نهادی مبتنی بر موازنه قدرت در جامعه سنتی ایران: بازخوانی تحولات ایران از صفویه تا قاجار به براساس رویکرد نهادگرایی تاریخی»، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳: ۲۹-۶۴.
- ابودلف، مسعر بن مهلهل (۱۳۶۱) *سفرنامه ابودلف در ایران*، با تعلیقات ولادیمیر و مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۲) *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*، تهران: سمت.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۲) *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*، تهران: سمت.

- استارک، فریا (۱۳۶۴) *سفرنامه الموت لرستان و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- استرآبادی، میرزا مهدی (۱۳۹۰) *تاریخ جهانگشای نادری*، تهران: دنیای کتاب.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹) *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*، تهران: زمینه.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳) *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ معاصر.
- انصاری، ابراهیم (۱۳۷۸) *نظریه قشریندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- اوری، پیترو؛ هامبلی، گاوین؛ ملویل، چارلز (۱۳۸۸) *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، جلد هفتم، تهران: مهتاب - آیفام.
- ایار، علی (۱۳۹۹) «تبیین جامعه‌شناختی اخلاق عملی در استان ایلام: نسبت اخلاق با ارزش‌های توسعه‌ای»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- بهشتی سرشت، محسن؛ رحیمی، عبدالرفیع؛ آدینه‌وند، مسعود (۱۳۹۴) «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ش/۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱م)»، *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۱۹: ۳-۳۸.
- بیات، کاوه (۱۳۷۶) *اسناد سپهبد شاه‌بخشی عملیات لرستان*، تهران: نشر شیراز.
- پیرسون، پاول (۱۳۹۳) *سیاست در بستر زمان: تاریخ، نهادها و تحلیل اجتماعی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر نی.
- تارونیه، ژان باتیست (۱۳۶۰) *سفرنامه تارونیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناسانه - تاریخی مواجهه توسعه با نظام ایلی در تاریخ لرستان»، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- داگلاس، ویلیام او (۱۳۷۷) *سرزمین شگفت‌انگیز و مردمی مهربان و دوست‌داشتنی*، ترجمه فریدون سنجر: تهران: گوتنبرگ.
- دهقان‌نژاد، مرتضی؛ معینی‌مینا؛ قائد شرفی، بهناز (۱۳۹۵) «بررسی مسئله تغییر تابعیت اتباع ایران و عثمانی و واکنش دولت ایران به آن در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۲م/۱۳۱۷ تا ۱۳۴۱ق از خلال منابع و اسناد ایرانی»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، شماره ۱: ۳۱-۵۴.
- دهقانی، مهدی (۱۳۹۷) «تداوم سنت آموزشی نهاد دینی ایران در عصر زندیه (۱۲۰۹-۱۶۰۱ق)»، *تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، شماره ۳۱: ۲۴-۲۷.
- رضاقلی، علی (۱۳۹۸) *اگر نورث ایرانی بود: شرحی بر تاریخ، اقتصاد، ادبیات و جامعه ایران*، تهران: نشر نهادگرا.
- رسول‌زاده اقدام، صمد (۱۳۹۲) «بررسی تطبیق - تاریخی موانع نهادی توسعه اقتصادی در ایران»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

- رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۹) «رابطه نهاد سیاسی و مذهبی در حکومت زندیه؛ دوره تعامل محدود»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۵: ۵۷-۸۴.
- رنجبر، محمدعلی؛ کشاورز، هادی (۱۳۹۷) «کنشگری نخبگان محلی در حکمرانی فارس؛ نمونه پژوهی: خاندان مشیرالملک (۱۱۷۷-۱۲۹۳ق)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱۰: ۵۹-۸۷.
- روشه، گی (۱۳۸۰) *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ریگین، چارلز (۱۳۹۷) *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: آگه.
- سادات، سید محمود (۱۳۸۶) «بستریابی مدارس نوین کاشان و شناساندن آن‌ها»، گنجنامه/اسناد، شماره ۶۸: ۱۹-۳۸.
- ساعی، علی (۱۳۹۲) *روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی*، تهران: آگه.
- سیاح، حمید (۱۳۴۶) *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۷) *فرهنگ، هنر و توسعه*، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: چشمه.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۶) *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: قومس.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷) *ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم*، تهران: زریاب.
- صحرايي، محمد (۱۳۸۹) *تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام*، تهران: فاتحان.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۱) *لرهای ایران*، تهران: آتیه.
- عبدالهی، اسد؛ طهماسبی، فرهاد (۱۳۷۷) «مرزهای لرستان: وضعیت تاریخی لرستان در مرزبندی‌های کشور»، *لرستان پژوهی*، شماره ۳: ۴۰-۵۱.
- عتیق‌پور، محمد (۱۳۷۲) *بلوای نان: فاجعه ۱۷ آذرماه ۱۳۲۱*، تهران: نشر شریف.
- عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمزای (۱۳۹۵) *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، ترجمه محسن میردامادی؛ محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: روزنه.
- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۵۶) *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی. اصفهان: نقش جهان.
- دیولافوا، ژن (۱۳۸۵) *سفرنامه مادام دیولافوا: ایران کلد و شوش*، ترجمه همایون فرهوشی (مترجم همایون)، تهران: خیام.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹) *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلودن، تهران: نشر مرکز.
- فوران، جان (۱۳۹۰) *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹) *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کدی، نیکی. آر (۱۳۸۱) *ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- کسروی، احمد (۱۳۶۲) *تاریخ پانصدساله خوزستان*، تهران: خواجه.

- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴) *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست بیستم، تهران: وزارت امور خارجه.*
- لاک لان، مک (۱۳۸۸) «توسعه اقتصادی ۱۹۷۹-۱۹۲۱، در تاریخ ایران دوره پهلوی از رضاشاه تا انقلاب»، به سرپرستی پیتر اوری؛ گاوین همبلی؛ چارلز ملویل، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج ۷، تهران: حامی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳) *انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.*
- لمبتون، ای.ک.اس (۱۳۶۲) *مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.*
- محمدی‌اصل، محمد؛ میرزایی رشنو، محمد (۱۳۹۵) *شهرهای تاریخی لرستان فیلی، خرم‌آباد: شاپورخواست.*
- مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵) *دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: نشر نی.*
- مهمان‌نواز، محمود (۱۳۹۰) «تحلیلی بر تقابلات مرزی ایران و عثمانی در زمان شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ق)؛ مطالعه موردی سقوط بغداد»، فصلنامه علوم و فنون مرزی، شماره ۱: ۹۳-۱۲۲.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳) *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: اهورا.*
- نعمایی، فرهاد (۱۳۸۱)، *تکامل فتوالبیسم در ایران، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.*
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۹۳) *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، تهران: خجسته.*
- نورث، داگلاس (۱۳۹۷) *فهم فرایند تحول اقتصادی، ترجمه میرسعید مهاجرانی؛ زهرا فرخی‌زاده، تهران: نهادگرا.*
- والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰الف) *تاریخ لرستان روزگار قاجار، تهران: حروفیه.*
- والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰ب) *تاریخ لرستان روزگار پهلوی، تهران: حروفیه.*
- وبر، ماکس (۱۳۶۹) *شهر در گذر زمان، ترجمه منصوره کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.*
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷) *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی در عصر قاجار، تهران: مؤسسه معین.*
- ویلسن، سر آرنولد (۱۳۶۳) *سفرنامه ویلسن، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: وحید.*
- همبلی، گاوین (۱۳۸۸) *یکه‌سالاری پهلوی رضاشاه ۱۳۲۰-۱۳۰۰، در تاریخ ایران دوره پهلوی از رضاشاه تا انقلاب، به سرپرستی پیتر اوری؛ گاوین همبلی؛ چارلز ملویل، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج ۷، تهران: حامی.*
- Hacker, J. (2002) *The Divided Welfare state: The Battle over public and private social benefits the United state.* Cambridge: Cambridge University press.
- Rodrik, D. (2000) "Institutions for high-quality growth: what they are and how to acquire them", *Studies in Comparative International Development*, No.35 (3): 3-31.
- Yanagihara, T. (2006) "Structural Reform as Precondition for Economic Growth: Analytical Framework and the Case of South Korea". *Journal of international economic studies*. No20: 34-58.